

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء س

دوره ۵، شماره ۲

تابستان ۱۳۸۸

صص ۹-۲۴

بررسی رابطه بین خودپنداری کودکان و شیوه‌های فرزندپروری والدین

دکتر محمد مزیدی*

هیأت علمی بخش مبانی آموزش و پرورش دانشگاه شیراز

دکتر محبوبه البرزی

هیأت علمی بخش مبانی آموزش و پرورش دانشگاه شیراز

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خود پنداری دانش‌آموزان و شیوه‌های فرزند پروری والدین و همچنین مقایسه خودپنداری دانش‌آموزان دختر و پسر به طور کلی و به تفکیک در زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی بود. نمونه آماری مورد پژوهش ۱۵۰ نفر دختر و پسر در مقطع پنجم ابتدایی شهرستان شیراز را شامل بود به منظور گرد آوری اطلاعات از پرسشنامه زمینه یابی ادراک خود و پرسشنامه محیط خانوادگی استفاده شد. نتایج نشان داد که بین خود پنداری کلی آزمودنی‌ها و محیط خانوادگی گرم و حمایت پذیر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بین خود پنداری دختران و محیط خانوادگی گرم و حمایت پذیر نیز همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر بین خود پنداری کلی دختران و پسران تفاوت معناداری به نفع پسران وجود دارد. در بررسی مقوله‌های مختلف خود پنداری نتایج نشان داد که تنها در خود پنداری تحصیلی میان دختران و پسران تفاوت معناداری به نفع پسران وجود دارد. بررسی‌ها همچنین نشان داد که دانش‌آموزان دختر و پسر برای نظر پدر و مادر خود نسبت به معلم و دوست اهمیت بیشتری قائل هستند. در راستای این پژوهش پیشنهادهایی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها:

خود پنداری، تفاوت‌های جنسیتی، ابعاد محیط خانوادگی

مقدمه

خودپنداری^۱ از جمله موضوعات مطرح در روانشناسی است که از لحاظ اهمیت فراوانی که در زندگی افراد دارد توجه صاحب‌نظران و محققان را به خود جلب کرده است، و تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. شاولسون^۲ و همکاران (۱۹۷۶) معتقد است خودپنداری، ادراکات فرد از خود است که از طریق رویدادهای زندگی، تعامل با دیگران و اسنادهای رفتاری حاصل می‌شود. دیمون و هارت^۳ (۱۹۸۲) معتقد هستند خودپنداری در برگیرنده دانش فرد نسبت به ویژگی‌ها و توانایی‌های خود است. "در یک نظام شناختی - ساختاری مانند پیازه نیز، با آنکه تعریف مستقل و خاصی ارائه نشده است، ولی در زمینه کلی و اساسی می‌توان گفت خود، از خلال آگاهی یابی بر خویشتن به عنوان یک خود مستقل و متفاوت از دیگری و دارای دیدگاه خاص شخصی برداشت می‌شود"^۴ (محسنی، ۱۳۷۵). برخی از روانشناسان از جمله کوپر اسمیت و فلدمن^۴ (۱۹۷۶) خودپنداری را پدیده‌ای یک بعدی می‌دانند، لیکن تحقیقات و بررسی‌های بعدی نشان داد که پدیده پیچیده‌ای همچون خود پنداری را نمی‌توان یک بعدی و کلی در نظر گرفت چنانچه شاولسون، هابنر و استنتون^۵ (۱۹۷۶) با مرور تحقیقات تجربی و بررسی زمینه‌های تئوریک، یک مدل چند بعدی از خود پنداری ارائه کردند بر اساس دیدگاه آنها خود پنداری به دو بعد تقسیم می‌شود: ۱- خود پنداری تحصیلی^۶ - خود پنداری غیر تحصیلی^۷. خود پنداری تحصیلی به موضوعات درسی خاص مثل ریاضی و خواندن و خود پنداری غیر تحصیلی به خودپنداری اجتماعی، خود پنداری عاطفی و خودپنداری فیزیکی تقسیم می‌شوند. منداگلیو و پی ریت^۸ (۱۹۹۵) نیز معتقد هستند خودپنداری پدیده‌ای چهاربعدی است عبارت از: ۱- خودپنداری تحصیلی به معنای اسنادات فرد نسبت به خود در

1. Self -concept
2. Shavelson
3. Damon & Hart
4. Coopersmith & Feldman,
5. Hubner & Stanton
6. Academic self – concept
7. Nonacademic self-concept
8. Mendaglio & Pyryt

زمینه امور و مسائل تحصیلی ۲- خودپنداری اجتماعی^۱ که دربرگیرنده اسنادات فرد در زمینه روابط اجتماعی و کنش متقابل با دیگران است ۳- خود پنداری ورزشی^۲ که اسنادات فرد به خود در زمینه بازیها و ورزشها را شامل می شود. ۴- خود پنداری ارزشی^۳ است، که درک فرد از خود به عنوان یک انسان خوب یا بد را شامل می شود. منداگلیو و پی ریت دیدگاه چند بعدی از خود پنداری را بر اساس نظریه های مقایسه اجتماعی، اسناد و ارزیابی بازتابی تبیین می کنند. مطابق با نظریه ارزیابی بازتابی، بازخورد از "افراد مهم" بر خود پنداری افراد تأثیر می گذارد (کولی، ۱۹۰۲)؛ مید، (۱۹۳۴) و سولیان (۱۹۵۳) به نقل از منداگلیو و پی ریت، (۱۹۹۵). در دیدگاه مقایسه اجتماعی افراد توانایی، رفتار و اعمال خود را با دیگران مقایسه می کنند (فستینگر، ۱۹۵۴، به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵) و در نظریه اسناد افراد بر اساس مشاهداتی که از خود دارند درباره اعمال خود قضاوت می کنند (کلی، ۱۹۶۷، به نقل از منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵). روزنبرگ و پیرلین^۴ (۱۹۵۱) خود پنداری را، به عنوان تصویر شخص از خود در ذهن تعریف می کند که از چهار عامل ۱- ارزیابی های فرد از پیشرفتهای خود ۲- ارزیابی های دیگران ۳- مقایسه های اجتماعی ۴- اسناد برای موفقیت یا شکست تشکیل می شود. تحقیقات بسیاری در زمینه خودپنداری و اجزاء مختلف آن و همچنین در ارتباط با چگونگی شکل گیری خودپنداری بر اساس عوامل محیطی و شخصیتی و مقایسه خودپنداری در افراد انجام شده است. شاولسون و همکاران (۱۹۷۶) معتقد هستند، که سه عامل اساسی در شکل گیری خودپنداری افراد مؤثر است: ۱- محیط که کلیه حوادث و وقایع مهم زندگی فرد را شامل است ۲- تعامل با افراد مهم از جمله اعضای خانواده و همسالان ۳- اسنادهای رفتاری مربوط به خود فرد. در این راستا در میان عوامل متعددی که در شکل گیری خود پنداری افراد مؤثر هستند خانواده نقشی بسیار مهم و حیاتی دارد. تحقیقات کوپر اسمیت (۱۹۶۷) در ارتباط با عوامل شکل دهنده خود پنداری تأیید کننده این مطلب است که شیوه فرزند پروری عاملی اساسی در رشد خود پنداری است نتایج تحقیقات او حاکی از این است

1. Social self-concept
2. Athletic self -concept
3. Evaluative self-concept
4. Rosenberg & Pearlin

که خود پنداری با محیط خانوادگی گرم و حمایتی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بکن و رومینگ^۱ (۱۹۸۹) ارتباط مثبت بین پذیرش و انسجام خانوادگی را با رشد خود در کودکان تأیید کردند. ریچارد^۲ و همکاران (۱۹۹۱) در تحقیق خود دریافتند که محیط حمایتی و گرم خانواده با رشد خود در پسران ارتباط معناداری دارد. پژوهش اس لف و هویل^۳ (۱۹۹۴) حاکی از آن است که کنترل در خانواده با عزت نفس رابطه منفی و حمایت در خانواده با عزت نفس رابطه مثبت دارد. هولاهان^۴ و همکاران (۱۹۹۵) در تحقیقات خود نشان دادند که بین حمایت والدین و سازگاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پژوهش حسینی (۱۳۸۰) نشان دهنده آن است که بین عزت نفس و بعد سردی و گرمی خانواده همبستگی مثبت و معناداری در کل نمونه وجود دارد. این همبستگی در گروه پسران تأیید شد، ولی در گروه دختران تأیید نشد. مارتینز و گارسیا^۵ (۲۰۰۸) در پژوهش خود رابطه مثبت بین والدین مقتدر گفتگو کننده با سطوح خود پنداری فرزندان از جمله خود پنداری علمی، عاطفی، اجتماعی، خانوادگی و فیزیکی را تأیید کردند. پژوهش دانسمور^۶ و همکاران (۲۰۰۹) نشان دهنده رابطه مثبت بین شیوه پاسخگویی عاطفی مادر با شایستگی‌های و رفتارهای جامعه پسند فرزندان بود. لیندزی^۷ و همکاران (۲۰۰۹) نیز نتیجه مشابهی کسب کردند. پیرامون تفاوت‌های جنسیتی در خود پنداری نیز پژوهش‌های متعددی انجام شده است و نتایج متناقضی به دست آمده است از جمله میلگرام و میلگرام^۸ (۱۹۷۶) در تحقیق خود دریافتند که نمره کلی خود پنداری دختران بالاتر از پسران است. جنسن و گارملی^۹ (۱۹۷۲) در مطالعه خود گزارش کرد که میان دختران و پسران در خود پنداری تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. و اشنیدر^{۱۰} و همکاران (۱۹۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که پسران نسبت به دختران خود پنداری بیشتری دارند. گامبینو

-
1. Bakken & Roming
 2. Richards
 3. S. Ieff & Hoyle
 4. Holahan
 5. Martinez & Garcia
 6. Dunsmore
 7. Lindsey
 8. Milgram & Milgram
 9. Johnson & Gormly
 10. Schneider

ورجسکیند^۱ (۱۹۹۰) وجود تفاوت‌های جنسی در مفهوم خود پنداری را در کودکان ۴ تا ۸ ساله تأیید کردند. جکسون^۲ و همکاران (۱۹۹۶) در بررسی تفاوت‌های جنسی در خودارزیابی و ابعاد خودپنداری دریافتند که بین خودارزیابی کلی پسران و دختران تفاوت معناداری به نفع پسران وجود دارد. پژوهش ونتزل و فلدمن^۳ (۱۹۹۶) حاکی از آن است که محیط خانوادگی مبتنی بر کنترل بر خود پنداری پسران و محیط خانوادگی مبتنی بر حمایت و انسجام بر خودپنداری دختران تأثیر دارد. نصیری (۱۳۷۷) در پژوهش خود تفاوت معناداری بین خود پنداری تحصیلی دختران و پسران به دست آورد، به این ترتیب که خودپنداری تحصیلی دختران در درس فارسی بالاتر از پسران است، لیکن فرض داشتن خود پنداری تحصیلی بیشتر پسران در درس ریاضی نسبت به دختران تأیید نشد. البرزی و سامانی (۱۳۷۸) در مقایسه خودپنداری میان دختران و پسران تیزهوش در یافتند که تفاوت معناداری میان خودپنداری دختران و پسران به طور کلی وجود ندارد. و همچنین در مقوله‌های خودپنداری تحصیلی، اجتماعی و ارزشی نیز تفاوت معناداری میان دختران و پسران وجود ندارد، لیکن تنها در خود پنداری ورزشی تفاوت معناداری به نفع پسران وجود دارد. پژوهش دای^۴ (۲۰۰۱) در ارتباط با تفاوت‌های جنسی در خود پنداری علمی، عزت نفس و انگیزه تحصیلی در میان دختران و پسران حاکی از آن بود که دختران خود پنداری کلامی بالاتری نسبت به پسران دارند و پسران خود پنداری ریاضی بیشتری نسبت به دختران دارند.

از آنجایی که خودپنداری در زندگی افراد پیامدهای مهم فردی و اجتماعی دارد بررسی ویژگی‌های خودپنداری دانش‌آموزان و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند اطلاعاتی مهم در اختیار دست اندرکاران تعلیم و تربیت قرار دهد و در اصلاح برنامه‌های آموزشی مؤثر واقع شود. همچنین اطلاعات حاصل از اجرای چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در خود ارزیابی دانش‌آموزان و شناخت بهتر موقعیت فردی و اجتماعی آنها و نیز درک بهتری از توانمندیهای خود در آنها ایجاد کند و شرایط را برای عملی کردن روشهای خود تنظیمی در رفتارهای فردی - اجتماعی

1. Gambino & Rejskind
2. Jakson
3. Wentzel & Feldman
4. Dai

و تحصیلی در آنها فراهم آورد. در این راستا هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خود پنداری کودکان و شیوه‌های فرزند پروری والدین است. علاوه بر این فرضیات پژوهشی زیر نیز بررسی شدند:

- ۱- رابطه معناداری بین خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی وجود دارد.
- ۲- تفاوت معناداری از لحاظ اهمیت به ابعاد مختلف خود پنداری میان دختران و پسران وجود دارد.
- ۳- تفاوت معناداری بین خود پنداری دختران و پسران به طور کلی و بین سطوح مختلف (خود پنداری تحصیلی، خود پنداری اجتماعی، خود پنداری ورزشی و خود پنداری ارزشی) وجود دارد.

روش تحقیق

شرکت کنندگان در پژوهش: به منظور انتخاب افراد نمونه در پژوهش حاضر از چهار ناحیه آموزش و پرورش شهرستان شیراز ناحیه یک بر اساس نظر کارشناسان آموزش و پرورش به دلیل وسعت پوشش و دربرداشتن قشرهای مختلف از لحاظ وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی به عنوان ناحیه معرف انتخاب شد. سپس با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای ابتدا از مجموعه مدارس ابتدایی، یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس، از مجموعه کلاسهای پنجم در این مدارس ۴ کلاس (۲ کلاس پسرانه و ۲ کلاس دخترانه) انتخاب شدند. در مرحله آخر دانش‌آموزان حاضر در کلاسهای مذکور به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. بدین ترتیب نمونه آماری پژوهش ۱۵۰ نفر (۷۸ دختر و ۷۲ پسر) را شامل شد.

ابزار تحقیق: در پژوهش حاضر از دو پرسشنامه استفاده شد:

- ۱- برای ارزیابی خود پنداری از پرسشنامه زمینه‌یابی ادراک خود^۱ (SPS) منداگلیو و پی ریت (۱۹۹۵) استفاده شد. این پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول اطلاعاتی در زمینه متغیرهای دموگرافیک افراد نمونه پژوهش مثل جنس و سن را شامل می‌شد. بخش

1. Self- perception Survey

دوم میزان اهمیت نظر افرادی که در زندگی نقش دارند (پدر، مادر، بهترین دوست، معلم) و میزان اهمیت چهار مقوله تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی مورد سؤال قرار می‌گیرد و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود نظر خود را به صورت (خیلی مهم، مهم و بی اهمیت) نشان دهند. بخش سوم پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال است و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که نظرات خود را بر اساس مقیاس لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) مشخص کنند. در این پرسشنامه سؤال‌هایی از قبیل؛ «احساس می‌کنم بهترین دوستم فکر می‌کند من باهوش هستم»، بیان‌کننده دیدگاه ارزیابی بازتابی و سؤال‌هایی از قبیل؛ «من از بچه‌های همسن خودم باهوش تر هستم»، بیان‌کننده دیدگاه مقایسه اجتماعی و سؤال‌هایی از قبیل؛ «من به خودم اثبات کرده‌ام که فرد خوبی هستم»، بیان‌کننده دیدگاه اسنادی است. این ۲۴ سؤال چهار نوع خود پنداری (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی، ارزشی) را می‌سنجد.

۲- به منظور سنجش شیوه‌های تربیتی والدین از پرسشنامه‌ای استفاده شد، که نقاشیان (۱۳۵۸) در زمینه مذکور بر مبنای کار شیفر (۱۹۶۵) تدوین کرده بود. این پرسشنامه در ۷۷ سؤال بر مبنای مقیاس لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) ابعاد مختلف کنترل-آزادی و سردی-گرمی روابط خانوادگی را می‌سنجد (به نقل از حسینی، ۱۳۸۰). بنابر اظهار سازنده آن، هریک از دو بعد مذکور در برگیرنده مفاهیم متعددی است. در بعد ۱، کنترل و آزادی، مفاهیم آزادی بیش از حد، انضباط ملایم، دخالت بیش از حد، کتمان پرخاشجویی، کنترل از طریق احساس گناه، جهت دهی، انضباط پیوسته و یکنواخت، انتظار رفتارهای رشدیافته و تنبیه، در بعد ۲، سردی-گرمی مفاهیم حمایت عاطفی، تأیید و ابراز نظر مثبت، شرکت در امور، ارتباط، ابراز نظر منفی، خشم و عصبانیت، طرد و نادیده گرفتن کودک مطرح می‌شود.

روایی و پایایی پرسشنامه‌ها :

الف- پرسشنامه زمینه یابی ادراک خود: در پژوهش حاضر روایی پرسشنامه از روش همبستگی با آزمونهای مشابه پرسشنامه توصیف خود^۳ (دبلیو مارش، ۱۹۸۳) ۰/۶۱. به دست آمد که در سطح $P < 0/001$ معنادار بود. همچنین پایایی آن با استفاده از روش باز آزمایی در فاصله یک ماه ۰/۶۵. به دست آمد پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۰ بود.

ب- پرسشنامه محیط خانوادگی: روایی پرسشنامه به روش محتوایی (نقاشیان، ۱۳۵۸) و به

روش تحلیل عاملی (کلبعلی، ۱۳۷۳) تعیین شد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد.

قابل ذکر است که متغیر مستقل این پژوهش شیوه تربیتی والدین بود و نمره‌های کسب شده در کل پرسشنامه خودپنداری و نمره‌های کسب شده در چهارمقوله تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی متغیر وابسته پژوهش بودند. علاوه بر این متغیر جنسیت نیز در پژوهش حاضر در نظر گرفته شد.

برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری درصدگیری، تحلیل واریانس، آزمون تی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها

با توجه به مباحث پیشین، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین خود پنداری کودکان و شیوه‌های فرزند پروری والدین بود. به منظور بررسی این سؤال مطابق با پرسشنامه ابتدا میزان اهمیت نظر افراد و سطوح خود پنداری و آنگاه رابطه بین خود پنداری و شیوه‌های فرزند پروری بررسی می‌شود.

۱- میزان اهمیت نظر افراد: جدول (۱) بیان کننده میزان اهمیت نظر افراد (پدر، مادر، دوست، معلم) از دیدگاه آزمودنی‌های تحقیق است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، دانش‌آموزان پسر و دختر نظر مادر خود را در اولویت قرار داده اند.

جدول ۱: میزان اهمیت نظر افراد (پدر، مادر، معلم، دوست) برای دانش‌آموزان پسر و دختر

جنس	دوست	معلم	پدر	مادر
دختران	۲۴/۷	۳۶/۱	۴۵/۱	۴۵/۳
پسران	۱۹/۳	۳۱/۳	۴۰/۷	۴۱/۳

توضیح بیشتر اینکه، دختران و پسران برای نظر مادر و پدر با یک نسبت تقریباً مساوی اهمیت بیشتری نسبت به نظر معلم و دوست قائل هستند. این مقایسه نشان داد که برای دختران و پسران بعد از نظر مادر و نظر پدر، نظر معلم و در نهایت نظر دوست مهم است.

۲- میزان اهمیت سطوح مختلف خود پنداری: در ارتباط با میزان اهمیت زمینه‌های

تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی نتایج حاکی از آن بود که برای دانش‌آموزان به طور کلی زمینه تحصیلی اهمیت بیشتری نسبت به بقیه موارد دارد. (جدول ۲).

جدول ۲: میزان اهمیت زمینه‌های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی در دانش‌آموزان

ابعاد خودپنداری	میانگین کل نمونه	انحراف معیار کل نمونه	میانگین دختران	انحراف معیار دختران	میانگین پسران	انحراف معیار پسران
تحصیلی	۲/۷۹۳۳	۰/۶۱	۲/۷۹۴۹	۰/۶۷	۲/۷۹۱۷	۰/۵۶
اجتماعی	۲/۳۴۶۷	۰/۸۱	۲/۳۷۵۰	۰/۸۳	۲/۳۲۰۵	۰/۸۰
ورزشی	۲/۲۴۶۷	۰/۸۶	۲/۱۸۰۶	۰/۸۴	۲/۳۰۷۷	۰/۸۸
ارزشی	۲/۲۶۰۰	۰/۸۷	۲/۲۶۳۹	۰/۸۲	۲/۲۵۶۴	۰/۹۲

چنانچه در جدول (۲) مشاهده می‌شود میانگین نمره‌های نظر دانش‌آموزان نسبت به سطوح چهارگانه خود پنداری چهار بیان‌کننده آن است که میزان اهمیت این موارد به ترتیب عبارت هستند از: تحصیلی، اجتماعی، ارزشی و ورزشی است.

۳- همبستگی خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی: نتایج تحقیق در زمینه همبستگی خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی در کل نمونه حاکی از آن بود که بین خود پنداری و بعد سردی و گرمی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0.05$). بین خود پنداری و بعد کنترل و آزادی همبستگی معناداری مشاهده نشد. (جدول ۳)

جدول ۳: همبستگی خود پنداری با ابعاد محیط خانوادگی در کل گروه، دختران و پسران

متغیر	سردی و گرمی	کنترل و آزادی
خود پنداری کل گروه	* ۰/۲۳	۰/۰۵
خود پنداری دختران	* ۰/۱۷	۰/۰۵
خود پنداری پسران	۰/۰۹	NS

$P < 0.05$

نتایج تحقیق در زمینه همبستگی خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی در دختران و پسران حاکی از آن بود که در گروه دختران بین خود پنداری و بعد سردی و گرمی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0.05$) ولی بین خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی پسران رابطه معناداری وجود ندارد.

۴- مقایسه اهمیت ابعاد مختلف خود پنداری در دختران و پسران: نتایج تحقیق در زمینه مقایسه میزان اهمیت ابعاد مختلف خود پنداری دختران و پسران حاکی از آن بود که در ابعاد خود پنداری تحصیلی، اجتماعی و ورزشی تفاوت معناداری میان دختران و پسران وجود ندارد و تنها در زمینه خود پنداری ارزشی میان دختران و پسران تفاوت معناداری به نفع دختران وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴: آزمون تی میان دختران و پسران در زمینه خود پنداری ارزشی

نوع عامل	جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار T	سطح معناداری
خودپنداری ارزشی	پسر	۷۲	۲/۲۵۶۴	۰/۹۲	۱۴۸	۵/۱۲۹	۰/۰۱
	دختر	۷۸	۲/۲۶۳۹	۰/۸۲			

چنانچه جدول ۵ نشان می‌دهد میزان اهمیت زمینه ارزشی برای دختران نسبت به پسران بالاتر است (۲/۲۶۳۹ = میانگین نمره‌های دختران، ۲/۲۵۶۴ = میانگین نمره‌های پسران) که این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

۵. مقایسه خود پنداری کلی و ابعاد آن در دختران و پسران. به این منظور از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد (جدول‌های ۵ و ۶):

جدول ۵: میانگین و انحراف معیار نمره‌های خود پنداری و سطوح آن (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی، ارزشی) در دختران و پسران

میزان اهمیت	میانگین کل نمونه	انحراف استاندارد کل نمونه	میانگین دختران	انحراف استاندارد دختران	میانگین پسران	انحراف استاندارد پسران
خود پنداری تحصیلی	۱۹/۱۷	۳/۵۲	۱۸/۳۷	۳/۷۴	۱۹/۹۱	۳/۱۵
خودپنداری اجتماعی	۱۹/۴۸	۳/۴۹	۱۸/۸۶	۳/۴۵	۲۰/۰۵	۳/۴۴
خودپنداری ورزشی	۱۸/۹۱	۳/۷۹	۱۸/۳۱	۳/۶۱	۱۹/۴۶	۳/۸۸
خودپنداری ارزشی	۲۰/۱۹	۴/۰۴	۱۹/۵۸	۳/۳۰	۲۰/۷۴	۴/۵۸

الف: خود پنداری کلی: نتایج تحقیق در زمینه مقایسه خود پنداری کلی در دختران و پسران نشان داد که تفاوت معناداری بین خود پنداری پسران و دختران به نفع پسران وجود دارد ($F(1, 148) = 6/55, P = 0/01$) میانگین نمره‌های پسران و $75/12 =$ میانگین نمره‌های دختران).

ب: خود پنداری اجتماعی: نتایج حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین خود پنداری اجتماعی دختران و پسران موجود نیست ($F(1, 148) = 4/46, P = NS$) گرچه میانگین نمره‌های خودپنداری اجتماعی پسران بالاتر از دختران است ($18/86 =$ میانگین نمره‌های دختران، $20/05 =$ میانگین نمره‌های پسران)

ج: خودپنداری ورزشی: نتایج نشان داد که در این مقوله تفاوت معناداری بین خودپنداری ورزشی دختران و پسران وجود ندارد ($F(1, 148) = 3/55, P = NS$). گرچه میانگین نمره‌های خود پنداری ورزشی پسران بالاتر از دختران است. ($18/31 =$ میانگین نمره‌های دختران، $19/46 =$ میانگین نمره‌های پسران)

د: خودپنداری ارزشی: نتایج تفاوت معناداری بین خودپنداری ارزشی دختران و پسران نشان نداد. ($F(1, 148) = 3/12, P = NS$). گرچه میانگین نمره‌های خودپنداری ارزشی پسران بالاتر از دختران است. ($19/58 =$ میانگین نمره‌های دختران، $20/74 =$ میانگین نمره‌های پسران)

ه: خود پنداری تحصیلی: نتایج نشان داد که در این مقوله تفاوت معناداری بین خودپنداری دختران و پسران به نفع پسران وجود دارد ($F(1, 148) = 5/46, P = 0/01$) { $18/37 =$ میانگین نمره‌های دختران، $19/91 =$ میانگین نمره‌های پسران}.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین خود پنداری دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی و شیوه‌های فرزند پروری والدین و نیز مقایسه خود پنداری کلی آنها و نیز خود پنداری تفکیکی به صورت خودپنداری تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی در دختران و پسران در شهر شیراز بود. از مهمترین نتایج کسب شده در این پژوهش آن بود که بین خودپنداری کودکان و شیوه‌های فرزند پروری والدین رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه پژوهش نشان داد که بین خود پنداری کودکان و شیوه تربیتی حمایتی و گرم والدین همبستگی مثبت و معناداری

وجود دارد. همچنین بین خود پنداری دختران و شیوه تربیتی حمایتی والدین همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، اما درباره آزمونهای پسر چنین همبستگی ملاحظه نشد. نتیجه این پژوهش با نتایج حسینی، (۱۳۸۰)؛ هولاهان و همکاران، (۱۹۹۵)؛ و نترول و همکاران، (۱۹۹۶)؛ اس لف، (۱۹۹۴)؛ ریچارد و همکاران، (۱۹۹۱)؛ و کوپراسمیت، (۱۹۶۷)؛ مارتینز و گارسیا، (۲۰۰۸)؛ دانسمور و همکاران، (۲۰۰۹) و لیندزی و همکاران، (۲۰۰۹) همسو است. نتایج تحقیقات همسو با نتایج این تحقیق حاکی از آن است که محیط خانوادگی حمایت پذیر و گرم، فرصت استقلال، خودشکوفایی و شناخت خود را برای کودکان ایجاد می‌کند، در حالیکه یک محیط خانوادگی مبتنی بر کنترل، کودکان را در یک چهارچوب انعطاف‌ناپذیر قرار می‌دهد و فرصت خودشناسی را از آنها سلب می‌کند. همچنین جامعه پذیری در دختران با تأکید بر روابط میان فردی، حساسیت نسبت به دیگران و وابستگی به دیگران همراه است در حالیکه در پسران تجارب اجتماعی شدن بیشتر با تسلط بر فعالیتهای اکتشافی همراه است (بلاک، ۱۹۸۳).

بر اساس تفسیر هارتر، تفاوت مذکور از تفاوت موجود در مکانیزمهای اجتماعی شدن نزد دختران و پسران ناشی است. دختران بیشتر در چهارچوب ارزش‌های خانوادگی قرار می‌گیرند و به ارتباط با دیگران و تعهد خویشتن اهمیت بیشتر می‌دهند، پسرها برعکس از استقلال و خودنامی بیشتر بهره‌مند هستند و ارزش دیگرانی که با آنها در ارتباط‌های هیجانی قرار می‌گیرند، کمتر از منطق اخلاق و تعمیم‌های اجتماعی آنها است (به نقل از محسنی، ۱۳۷۵).

از دیگر نتایج پژوهش آن بود که بین خود پنداری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه پژوهش این فرضیه را تأیید کرده بین خودپنداری پسران و دختران به نفع پسران تفاوت آماری معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج جکسون و همکاران (۱۹۹۶)، اشنیدرو و همکاران (۱۹۸۹)، گامینو و همکاران (۱۹۹۰) همسوست، اما نتایج مذکور با نتایج تحقیقات مشابه البرزی و سامانی (۱۳۷۸)، میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶) ناهماهنگ است. نتایج حاصل از تحقیقات مشابه با این تحقیق عمدتاً متفاوت است و این امر نشان دهنده وجود عوامل متعدد تأثیر گذار بر خودپنداری است. یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیدایش نتایج حاصل از این تحقیق، در کسب نتیجه پژوهش حاضر، بافت خانوادگی و سستی حاکم بر جامعه ما است. فرهنگ ما همواره بر پرورش استقلال و وابستگی نداشتن پسران تأکید بیشتری می‌کند. و جامعه نیز اغلب پذیرای رفتارهای خودمختارانه در پسران است. این استقلال و

خودمختاری بر کلیه فعالیتهای فرد تأثیرگذار است و جهت دهی کلی او را مشخص می‌کند. لیکن در عین حال باید به این مسئله توجه خاص کرد، که توجه دقیق موارد فوق به شناسایی مجموعه بیشتری از عوامل تأثیرگذار بر خود پنداری، از جمله همسالان، مدرسه، خواهران و برادران و اجتماع نیاز دارد. از سوی دیگر بین چهار بعد خودپنداری (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) میان دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. در بررسی جداگانه ابعاد خودپنداری، نتایج حاکی از آن بود که بین مقوله‌های اجتماعی، ورزشی و ارزشی میان دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد. در حالیکه در بعد خودپنداری تحصیلی تفاوت معناداری به نفع پسران وجود دارد ($P < /% 1$) نتیجه مذکور با نتایج تحقیقات نصیری (۱۳۷۷) و دیویدیان (۲۰۰۱) همسو است، اما با نتایج تحقیقات البرزی و سامانی (۱۳۷۸) و جنسن (۱۹۸۱) همسو نیست. در ارتباط با این بخش از نتایج تحقیق حاضر باید گفت، خود پنداری تحصیلی، موضوعی کلی است، که خود، دربرگیرنده موضوعات اساسی متفاوتی است. به عبارتی دیگر، خود پنداری تحصیلی را می‌توان، در هر یک از موضوعات درسی، به عنوان مؤلفه‌ای مجزا در نظر گرفت و بر مبنای آنها تحقیق کرد. چنانچه در تحقیق نصیری (۱۳۷۷) و دیویدیان (۲۰۰۱)، خودپنداری تحصیلی دروس فارسی و ریاضی در دختران و پسران بررسی و مقایسه شده است. باوجود این از آنجایی که در امور تحصیلی همواره بر تشویق والدین تأکید می‌شود و از آنجاکه والدین در ارتباط با پسران به استقلال آنها اهمیت می‌دهند. بنابراین، خود پنداری تحصیلی پسران به ویژه در مقطع ابتدایی بالاتر از دختران است. از طرفی تفاوت‌های جنسی در خودپنداری تحصیلی به وضعیت خانوادگی، اجتماعی، مدرسه و حتی اقتصادی نیز بستگی دارد.

همانگونه که از نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه برمی‌آید بین ابعاد خود پنداری کودکان و شیوه فرزند پروری والدین همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر تقویت جنبه‌های خود پنداری در کودکان با حمایت‌های دلگرم کننده والدین عملی می‌شود. لذا به والدین دارای فرزندان دختر و پسر دبستانی و کودکانستانی توصیه می‌شود تا در موقعیت‌های مختلف نسبت به حمایت منطقی و آگاهانه کودکان خود اقدام کنند و استمرار آن را نیز در وضعیت‌های مختلف تربیتی و آموزشی حفظ کنند. همچنین توصیه می‌شود تا از ایجاد شرایط غیر حمایتی، انعطاف ناپذیر، رعب انگیز و تحمیلی درباره کودکان پرهیز شود. از آنجا که

خودپنداری و فرایند شکل‌گیری آن در کودکان تحت تأثیر عوامل مختلف فردی، اجتماعی و محیطی قرار دارد، توصیه می‌شود تا والدین در مرحله اول و عوامل ذی‌علاقه در امور آموزشی و تربیتی، اعم از معلمان و مربیان مراکز آموزشی و پرورشی و دست‌اندرکاران برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، در مرحله بعد در جهت دهی و ارشاد نظام فکری و رفتاری کودکان از طریق فراهم آوردن شرایط محیطی و نیز تدارک مواد فرهنگی مورد پذیرش و درک‌پذیر آنها زمینه‌های رشد و تکامل شخصیت انسان را فراهم کنند. تکامل شخصیت کودکان درگرو رشد و تکامل تجربه‌های اجتماعی در مراحل اجتماعی شدن آنها قرار دارد. بنابراین، هرچه مراحل جامعه‌پذیری کودکان عمیق‌تر و پر بارتر، رشد و تکامل شخصیت آنها مطلوب‌تر خواهد بود. از طرف دیگر با توجه به تأثیر متقابل ابعاد مختلف خودپنداری در کودکان لازم است تا زمینه‌های رشد مطلوب آن جنبه از ابعاد خودپنداری که در کودکان قوی‌تر است به منظور رشد و تقویت سایر جنبه‌ها با ابعاد خودپنداری دارای زمینه‌های ضعیف‌تر فراهم شود، این مسأله به خصوص در رابطه با فعالیتهای آموزشی و موفقیت‌های تحصیلی بسیار حائز اهمیت فراوان است. بدین معنا که تقویت خودپنداری مثبت کودکانی که در درس فارسی عملکرد خوبی داشته‌اند می‌تواند در خودپنداری آنها از توانایی‌های بالقوه آنها مؤثر شود و عملکرد تحصیلی آنها را در دروسی مثل ریاضی، علوم یا نگارش افزایش دهد. توصیه آخر اینکه برای روشن شدن وضعیت خودپنداری نوجوانان و جوانان چنانچه تحقیقاتی مشابه انجام شود و رابطه بین نتایج تحقیقات مشابه به صورت تطبیقی - تحلیلی بررسی شود می‌تواند زمینه‌های مطمئن‌تری برای برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و نیز والدین دانش‌آموزان در مقاطع سنی مختلف فراهم آورد. همچنین توصیه می‌شود تا محققان علوم تربیتی و روانشناسی با در نظر گرفتن مبانی تئوری اسناد و اینر (۱۹۸۵) نسبت به تشخیص علل موفقیت یا شکست تحصیلی در دوره‌های مختلف آموزشی، چگونگی تقویت خودپنداری مثبت در کودکان و نوجوانان را بررسی و مطالعه کنند و راهکارهای عملی به منظور هدایت آنها تدارک ببینند.

منابع

- البرزی، شهلا و سیامک سامانی، (۱۳۷۸). مقایسه خودپنداری در میان دختران و پسران مقطع راهنمایی مراکز تیزهوش شهرستان شیراز، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، بهار ۱۳۷۸، ص. ۲۰-۳.
- حسینی، مریم، (۱۳۸۰). بررسی قدرت پیش بینی کنندگی عزت نفس توسط رشد خود، شیوه‌های فرزند پروری و جنسیت در مقطع پیش دانشگاهی شهرستان شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- محسنی، نیک چهره، (۱۳۷۵). *ادراک خود، از کودکی تا بزرگسالی*، تهران، بعثت.
- نصیری، حبیب اله، (۱۳۷۷). *بررسی ارتباط بین خودپنداره‌های تحصیلی ریاضی و فارسی با پیشرفت تحصیلی ریاضی و فارسی در گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس راهنمایی شهرستان داراب*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- Bakken, L, Roming, C, (1989). Adolescent ego development: Relationship to family cohesion and adaptability, *Journal of Adolescence*, 12, 83 – 94.
- Block, J.H, (1983). Differential premises arising from differential socialization of sexes: some conjectures, *Child Development*, 54, 1335-1354.
- Coopersmith, S & Feldman, R, (1976). *Fostering a positive self concept and high self esteem in classroom, psychological concept in classroom*, Merillan publication.
- Coopersmith, S, (1967). *The antecedents of self esteem*, San francisco: W.H. , Freeman & Co.
- Dai, D.Y, (2001). A Comparison of Gender Differences in Academic Self-Concept and Motivation between High-Ability and Average Chinese Adolescents, *Journal of Secondary Gifted Education*, 13, 22 – 32.
- Bradburn, I S, Costanzo, P.R, Fredrickson, B. L, (2009). Mothers' Expressive Style and Emotional Responses to Children's Behavior Predict Children's Prosocial and Achievement-Related Self- rating, *International Journal of Behavioral Development*, v33 n3 p253-264.
- Damon, w & Hart, D, (1982). The development of self – understanding from infancy through adolescence , *child Development*, 53, 314-364.
- Gambino ,J & Rejskind, G, (1990). Self-Concept in a Program for the Gifted: A Social Comparison Approach, *Canadian Journal of Special Education*, 6, 31 - 41.
- Lindsey, E W, Cremeens, P. R, Colwell, M. J & Caldera, Y M, (2009). The Structure of Parent-Child Dyadic Synchrony in Toddlerhood and Children's



- Communication Competence and Self-Control, *Social Development*, v18 n2 p375-396.
- Holahan, C. J, Valentiner, D.P & Moos, R.H, (1994). Parental support, coping strategies, and psychological adjustment, an integration model with late adolescents, *Journal of Youth and Adolescence*, 24 (6), 633 – 648.
- Jakson, L & et al, (1994). Gender and Self-Concept. A Reexamination of Stereotypic Differences and the Role of Gender Attitudes, *Sex Roles*, 30, 615 – 630.
- Johnson, C & Gormly, J, (1972). Academic cheating: the contribution of sex, personality and situational variable, *Development Psychology*, 6, 320 – 325.
- Martinez, I & Garcia, J. F, (2008). Internalization of Values and Self-Esteem among Brazilian Teenagers from Authoritative, Indulgent, Authoritarian, and Neglectful Homes, *Adolescence (San Diego): an international quarterly devoted to the physiological, psychological, psychiatric, sociological, and educational aspects of the second decade of human life*, v43 n169 p13.
- Mendaglio, S & Pyryt, M.C, (1995), Self-Concept of Gifted Students Assessment – Based Intervention, *Teaching Exceptional Children*, 27 (3), 40 – 45.
- Milgram, R, M & Milgram, N.A, (1976). Personality characteristics of Gifted Children, *The Journal of Genetic Psychology*, 129, 180 – 194.
- Richards, Maryse H, Gitelson, Idy B & et al, (1991). Adolescent Personality in Girls and Boys: The Role of Mothers and Fathers, *Psychology of Women Quarterly*, 15, 65 – 81.
- Rosenberg, M & Pearlman, L. I, (1978). Social class and self-esteem among children and adults, *Am.J. Social*, 84, 53 – 57.
- S. Ieff, S & Hoyle, R.H, (1994). Young athlete's perception of parental support and pressure, *Journal of Youth and Adolescence*, 42 (2): 187 – 203.
- Schneider, B.H, Cloyd, M.R, Bryne, B.M, Landingham J.E. & Cronbie E, (1989). Social relations of gifted as a function of age and school program, *Journal of Educational Psychology*, 51, 48 – 55.
- Shavelson, R.J, Hubner, J.J & Stanton, G.C, (1976). Self-Concept: validation of construct interpretations, *Review of Educational Research*, Coopersmith, S & Feldman, R, (1976), 46, 407-411.
- Wentzel, K & Feldman, S, (1996). Relations of cohesion and power in family dyads to social and emotional adjustment during early adolescence, *Journal of Research on Adolescence*, 6, 25 – 44.